

(171)

بواسطه آقا میرزا محسن زائرعلیه بهاء الله الابهی

جناب میرزا عبدالحسین سلیل سید محسن و جناب عبدالوهاب ناجی نجل سید محسن علیهما بهاء الله الابهی

هو الله

ای دو یادگار دو نفس بزرگوار حضرت عبدالمجید و حضرت سید محسن این دو نفس مبارکرا آنچه ستایش کنم حقیقت اینست که از عهده برنیایم هر دو را جمال مبارک تبلیغ فرموده بنفحات روح القدس زنده شدند و در عراق چون جبل راسخ ثابت و رزین و رصین بودند یک منقبت حضرت عبدالمجید را ذکر مینمایم پسرش عبدالوهاب شمع اصحاب بود و برقی ساطع از سحاب در سفر اول حضرت مقصود بعراق عرب بشرف لقا فائز پسر استدعای هدایت پدر نمود حضرت عبدالمجید بمجرد تشریف بحضور رب غفور مانند شمع برافروخت و بایمان فائز و چون جمال قدیم مراجعت بطهران فرمودند بمیرزا عبدالوهاب امر کردند که چون پسر وحیدی باید در نزد پدر بمانی و چنانست که همسفر با من باشی و چون حضرت مقصود بطهران رجوع فرمودند ایامی نگذشت که نائره عشق در قلب آن جوان چنان شعله زد که صبر و قرار نماند پدر بزرگوار گفت ای پسر هر چند مرا نور بصری و حیات جان پروری آنی تحمل فرقت تو ندارم ولی نمیتوانم این پروانه را از شمع آفاق محروم نمایم فوراً عزم طهران کن آن جوان رقص کنان وارد طهران گشت و بمجرد ورود دستگیر شد و بزیر زنجیر رفت زیرا واقعه مومله شاه واقع و در سجن مبارک بشرف لقا فائز شد بعد از چند روز میر غضب وارد زندان شد و آن معدن اسرار را پپای دار دعوت کرد آنجوان نورانی برخاست و رقصی در نهایت سرور در پیشگاه حضور نمود بعد دست مبارکرا بوسید و با یاران مسجون دست در آغوش شد و رسم وداع مجری داشت و بقبربانگاه عشق شتافت و در کمال سرور و حبور جان بباخت این خبر وحشت اثر چون بگوش پدر رسید آن پیر سالخورده سر بسجود آورد و بشهادت پسر شادمانی و طرب و شکر نامتناهی نمود این یک منقبت از مناقب آن بزرگوارست جمیع اوقات خویشرا بتحمل صدمات و مشقات میگذراند و عاقبت سرگون شد و در اسیری جان بجانان تسلیم نمود و اما حضرت آقا سید محسن در عراق بود و بشرف حضور نیر آفاق مشرف گشت و مدت حیات جان فشان بود و سبب هدایت نفوس

عدیده گشت صبور و حلیم بود و شکور و مستقیم تا آنکه سرگون بحدباء گشت و در اسیری تحمل فراق نمود در نهایت فقر پیاده در کمال شوق مناجات کنان از حدباء عازم عکاء شد تحمل صدمات راه ننمود صحراها را پیاده پیمود بی زاد و توشه در نهایت شوق جان بباخت حال شما یادگار آن دو بزرگوارید همیشه در خاطرید و این دو زفاف جدید مبارکست متیمنست مسعود است پر شگونست از الطاف حضرت مقصود امید چنانست که خاندان آن دو بزگوار الی ابد الآباد مسعود و مبارک و متیمن باشند جناب میرزا محسن الحمد لله محفوظا مصونا وارد و بآنچه منتهی آمال مقربین است یعنی تقبیل آستان مقدس فائز اجازه حضور خواسته بودند مأذونید و علیکم البهاء الابهی

حیفا ۱۰ ربیع الثانی سنة ۱۳۳۸

(عبدالبهاء عباس)